

استعاره و پارادایم‌های ترجمه

پل ریکور

ویراستار ترجمه: مهرداد پارسا

مترجمان:

مهرداد پارسا، مهدی پارسا، فائزه جعفریان، حسام دهقانی



سرشناسه: ریکور، پل، ۲۰۰۵ - ۱۹۱۳ م. Ricoeur, Paul

عنوان و نام پدیدآور: استعاره و پارادایم‌های ترجمه / پل ریکور؛ ویراستار ترجمه: مهرداد پارسا

مشخصات نشر: تهران: انتشارات شَوَند، ۱۳۹۴. ● مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س م

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۱-۲-۸ ● وضعیت فهرست‌نویسی: فنیاً

یادداشت: کتاب حاضر مجموعه‌ای است مشتمل بر مقاله‌ای از پل ریکور درباره‌ی استعاره، و مقالات کتاب «درباره‌ی ترجمه» و پیوستی از آیلین برنان

یادداشت: نمایه ● موضوع: ترجمه ● شناسه افزوده: پارسا خانقاه، مهرداد، ۱۳۶۳- مترجم

شناسه افزوده: برنان، آیلین ● شناسه افزوده: Brennan, Eileen

شناسه افزوده: کارنی، ریچارد، ۱۹۵۴-م. ● شناسه افزوده: Kearney, Richard

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۳۰۶/۹۵۴ P ● رده‌بندی دیویی: ۴۱۸/۰۲ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۳۹۰۹۱

Metaphor and the Paradigms of Translation

Paul Ricoeur

Mehrdad Parsa



آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه‌ی روشن، پلاک ۴۰، طبقه‌ی ۲، واحد ۵

کد پستی: ۱۴۱۵۸۵۳۴۴۶ | تلفن: ۵۵۶۷۶۳۱۳ - ۲۱

www.shavandpub.ir | shavandpublication

ناشر: شَوَند

استعاره و پارادایم‌های ترجمه | پل ریکور | مهرداد پارسا

چاپ دوم: زمستان ۱۴۰۲، تهران | تیراژ: ۳۰۰ نسخه | قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان

ویراست دوم

چاپ و صحافی: طهرانی

طرح روی جلد از میثم پارسا

ISBN: 978-600-95761-2-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۱-۲-۸

Printed in Iran

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

www.ketab.ir
فهرست

- توضیح ویراستار ۷
۱. استعاره و گفتمان فلسفی / پل ریکور / مهدی پارسا، حسام دهقانی ۱۱
۲. ترجمه به مثابه‌ی چالش و منشأ سعادت / پل ریکور / مهرداد پارسا ۱۰۹
۳. پارادایم ترجمه / پل ریکور / مهرداد پارسا ۱۱۹
۴. یک «گذرگاه»: ترجمه‌ی امر ترجمه‌ناپذیر / پل ریکور / مهرداد پارسا ۱۳۹
- پیوست ۱: فلسفه‌ی ریکور درباره‌ی ترجمه / ریچارد کارنی / مهرداد پارسا ۱۴۹
- پیوست ۲: پدیدارشناسی هرمنوتیکی و پارادایم ترجمه / آیلین برنان / فائزه جعفریان ... ۱۶۵
- نمایه‌ی نام‌ها ۱۷۷

توضیح ویراستار

در هستی‌شناسی هر مکتبی ریکور که برخلاف پدیدارشناسی دازاین مدار هایدگر، بر نوعی روش‌شناسی متنی و ژانرهای معناشناختی و زبانی بنا دارد، توگویی میان دو ابزار زبانی و حتی هستی‌شناختی استوار و ترجمه‌قرباتی ضمنی و وجه مشترکی وجود دارد که به سنگ بنای تفکر او بدل می‌شود: انتقال و حرکت، حرکتی از خود به دیگری، راه یافتن به امر خودی از خلال عاملی غیر خودی. استعاره و ترجمه نوید معنایی را می‌دهند که صرفاً نه در آن‌جا، در راه‌های پای‌کوفته‌ی هستی که در جایی خارج از اثر، در بیراهه‌های مغفول‌مانده‌ی متن و زبان تحقق می‌یابد.

به باور ریکور، استعاره که با سبقه‌ی ارسطویی خود بر اساس شباهت میان دو واژه و با حرکت از یکی به دیگری عمل می‌کند، به واسطه‌ی همین حرکت آشوبنده و ایجاد اختلال در جایگاه تثبیت‌شده‌ی واژه/ایده‌ای واحد، امکان گسترش افق‌های زبانی و درنهایت خلق امکان‌های ادراک‌ناشده‌ی جدید را برای مواجهاتی تازه با زبان، معنا و هستی فراهم می‌کند. برخلاف برداشت متعارف، اگر استعاره را تنش و کشاکشی میان دو واژه فرض کنیم که از صرف زینت و ابزاری برای آراستن متن فراتر می‌رود، واژه‌های مستقر در زبان از خلال قلمروزدایی زبانی به شیوه‌ای نامعمول و دلالت‌گریز فهم شده و هستی و تفسیر فربه می‌شود. فرآیند پویای استعاری‌سازی (برخلاف واژه‌های مرده‌ی فرهنگ واژگان) که در شعر یا گفتمان پوئتیک (در نسبت با گفتمان نظری) تجسم می‌یابد، از نظر ریکور پلی است برای تفکری زاینده که با ترغیب به اندیشیدن

بی‌وقفه، معنا را از طریق به عاریه گرفتن افقی به جای افقی دیگر به فرآیندی دلالتی بدل می‌کند. از این حیث، در فرآیند استعاری‌سازی که منطق چیزها چنان که هستند را متزلزل کرده و قسمی غریب‌نوازی زبان/هستی‌شناختی را ترویج می‌کند، نوعی توسل به غیر، به دیگری وجود دارد؛ نوعی توسل به دیگری (چه واژه و چه سوژه‌ای دیگر) که با نیروی فروتنی و پرسش‌گری بی‌پایان پیش می‌رود. با این همه، از نظر ریکور، این تقوای تفکر بند آمدنی ندارد و بی‌سکنی گزیدن به راه خویش ادامه می‌دهد. بدین ترتیب، ریکور استعاره را افزون بر پارادایم زبانی آن، واجد ساحتی برون‌زبانی و پارادایمی هستی‌شناختی می‌داند که بر فرض شکلی از سوگواری دائمی برای ابژه/واژه/هستی همواره از دست‌رفته استوار است.

اما حرکت استعاری چه به‌مثابه‌ی امری درون‌زبانی و جزئی و چه غیر آن، در ترجمه (چه در پارادایم زبان‌شناختی و چه فراتر از آن در پارادایم هستی‌شناختی) جنبه‌ای کلی‌تر می‌یابد که همچون استعاره عمدتاً بر مفهوم انتقال و حرکت بنا دارد: انتقال از واژه‌ای به واژه‌ی دیگر، حرکت از یک زبان به زبانی دیگر، و فهم جهان خویش از خلال زبان دیگری؛ فاصله‌گرفتن از خویش و از زبان خودی و درنهایت از هستی برای گشودن فضایی برای آزمودن امکانی که تنها از بیراهه‌ها به مقصود می‌رسند. ایده‌ی ترجمه و ضرورت مواجهه با دیگری، از سوی بر پذیرش نابسندگی پیشینی زبان خویش و دست‌شستن از رویای یک زبان-جهان کامل است. بدین‌قرار، ترجمه نه تنها معنای خود، زبان و معرفت را دگرگون می‌سازد، بلکه با ایجاد فضایی برای تصادم رخدادهای شخصی و نوآوری معناشناختی، امکان پروراندن و گسترش بی‌امان ساحت متکثر هستی را نیز فراهم می‌کند. این فاصله‌گرفتن از خود و جهان خود به‌عنوان شرط لازمی برای پویایی تفکر به‌واسطه‌ی کاربست استعاره و ترجمه به‌مثابه‌ی ابزارهایی شناختی و شروط غیراستعلایی تجربه و تعقل صورت می‌گیرد، و از شجاعت رودررویی تنش‌زای میان دو فرد، از باب و برده در یک زمان، نیرو می‌گیرد. کتاب حاضر شامل مقاله‌ای پراهمیت و دشوارخوان از ریکور درباره‌ی استعاره و فصولی در باب دو پارادایم ترجمه و پروژه‌ی هرمنوتیکی ریکور است. به‌گمانم، بیراه نرفته‌ایم اگر این بیراهه‌ی استعاره به ترجمه یا امر جزئی به امر کلی را یکی از مقدمات فهم فلسفه‌ی هرمنوتیکی ریکور بدانیم که با تمرکز بر مفهوم انتقال زمینه‌ی مواجهات او

با هایدگر و کثرت‌گرایی محض دریدا را روشن می‌کند. باری، آنچه در بحث از استعاره و ترجمه (و البته ترجمه‌ی مجدد برخی از مقالات آثار فلسفی) اهمیت دارد، فراهم آوردن امکانی برای جریان بی‌پایان بازاندیشی واژه‌ها، بازخوانی‌ها و ترجمه‌های متکثر و چندباره‌ی معنا و جهانی است که تنها از طریق همین کثرت خوانش‌ها و ترجمه‌ها امکان ظهور می‌یابد. و از همین رو است که ریکور در مقابل توهم ترجمه‌ی کامل، خواننده را موظف می‌داند که همواره معنای استعاری جدید و ترجمه‌ای تازه بیافریند.

مهرداد پارسا

پاییز ۹۴